

مقاله پژوهشی: ارزیابی و سنجش تهدیدات داعش علیه ج.ا.ایران در دو مقطع قبل و بعد از فروپاشی

رضا کرمی^۱، نبی سهرابی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۰

چکیده

برنامه‌ریزی به منظور مدیریت ناامنی و بحران‌های ناشی از درگیری‌های مسلحانه و خشونت‌آمیز مخالفان، مستلزم شناخت نسبتاً دقیق توانمندی و ظرفیت‌های آن‌ها است. در این تحقیق تلاش شده تا در پاسخ به سؤال تحقیق؛ علاوه بر، احصای انواع تهدیدات داعش علیه ج.ا.ایران، میزان تهدید آن نیز در دو مقطع قبل و بعد از فروپاشی مورد ارزیابی قرار گیرد. نوع تحقیق کاربردی، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی از طریق سندکاوی و با استفاده از نظر کارشناسان امنیتی انجام شده است. جامعه نمونه این تحقیق متشکل از ۳۰ نفر از خبرگان و کارشناسان امنیتی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری، پرسشنامه است. نتایج حاصله بیانگر این است که برآیند تهدیدات داعش علیه ج.ا.ایران، بعد از فروپاشی، نسبت به زمان استقرار آن نه تنها کاهش نیافته، بلکه همان‌طور که در ادامه ارائه خواهد شد دارای روند افزایشی است. البته این یافته‌ها نباید این گونه تفسیر شوند که داعش بعد از فروپاشی توانمندتر شده است، بلکه بیانگر این است که بخش عمده ظرفیت‌های داعش، در زمان استقرارش صرف درگیری با مخالفان متعدد، به منظور نگهداری و حفاظت از متصرفات آن می‌شد و امکان به‌کارگیری علیه ج.ا.ایران را نداشت، اما در شرایط بعد از فروپاشی، امکان به‌کارگیری ظرفیت‌های مورد بحث، علیه ایران بیشتر فراهم شده است.

کلید واژه‌ها: تهدید، سنجش تهدید، داعش، تفکر تکفیری.

۱. استادیار دانشکده علوم و فنون فارابی، r.karami1002@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه فارابی

پس از فروپاشی جهان دوقطبی، آمریکا اسلام ناب محمدی را به‌عنوان دگر خود تعریف و بر این اساس «جنگ بین تمدنی»، یعنی جنگ بین تمدن غرب با تمدن اسلام را به‌عنوان راهبرد خود انتخاب کرد. حاصل این الگوی جدید برای آمریکا، وقوع چند جنگ در منطقه، از جمله، جنگ ۱۹۹۱ میلادی آمریکا علیه عراق به بهانه اشغال کویت، بعد از آن نیز اشغال افغانستان به بهانه حادثه ۱۱ سپتامبر و جنگ ۲۰۰۳ میلادی و اشغال عراق بود. حاصل این جنگ‌ها در مجموع خسارات مالی، انسانی و خدشه به اعتبار و پرستیژ آمریکا را به‌دنبال داشت و آمریکا منفور افکار عمومی، به‌ویژه در جهان اسلام شد (کرمی، ۱۳۹۳: ۴۱).

استکبار جهانی پس از عدم دستیابی به اهداف خود در راهبرد جنگ بین تمدنی، سناریوهای مختلف را مورد بررسی قرار داد و در نهایت «جنگ درون تمدنی» را به‌عنوان راهبرد جدید خود انتخاب کرد. به این ترتیب، با طراحی و تحریک استکبار، جنگ‌هایی، از قبیل جنگ‌های فرقه‌ای، جنگ‌های مذهبی و کشمکش‌های قومی در کشورهای اسلامی، یکی پس از دیگری به وقوع پیوست که گروه تروریستی-تکفیری داعش از مطرح‌ترین بازیگران جنگ درون تمدنی و جنگ نیابتی در منطقه در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. مهم‌ترین هدف آمریکا در منطقه که امنیت رژیم صهیونیستی است، در این وضعیت به بهترین نحو ممکن تأمین می‌شود. وزیر جنگ رژیم صهیونیستی فروردین ماه سال ۱۳۹۴ هجری شمسی می‌گوید: «لذت‌بخش آن است که کاری کنی دشمنت با دست خودش، خود را از بین ببرد و برادرش را بکشد، این سیاست امروز ما است». (مرکز مطالعات راهبردی دفاعی، ۱۳۹۴: ۳۳۴) داعش با ایجاد نوعی دوقطبی مطلق^۱ حقیقت مطلق و ضلالت کامل سعی دارد جهان را له یا علیه خود تقسیم کند. داعش در این تعبیر همانند کشتی نوح است که به فرمان خداوند سراسر محل امن و نجات در دنیای بی‌ثبات و ضلالت است (5: Dabiq; issue 2, 1435 shawwal). دولت‌هایی که در مقابل داعش قرار دارند در واقع به تقابل با حقیقت مطلق برخاسته‌اند، پس آن‌ها در ضلالت کامل هستند و سرنوشتی جز نابودی ندارند. این تفاسیر متصلب به‌راحتی دستاویز مناسبی برای هرگونه خشونت علیه دیگران را فراهم می‌کند.



ارتداد مفهومی کلیدی در اندیشه و عمل داعش است. براساس استدلال‌های فقهی داعش، تمامی افرادی که به انحاء مختلف به دشمنان داعش کمک می‌کنند، خواه حاکمان دولت‌های اسلامی عربی باشند یا حتی شهروندان ساده‌ای که به این دولت‌های ظالم به هر طریق یاری می‌رسانند از دین خارج شده‌اند و مرتدند (الدوله الاسلامیه: ۱۴۳۶ ق. ۲۲). ابوبکر البغدادی (ابراهیم عواد) در یک فایل صوتی جامعه را به دو قسمت یا به قول خودش به دو فسطاط (سایبان- چادر) تقسیم کرده است، فسطاط اول، سایبان ایمان که هیچ نفاقی در آن وجود ندارد و فسطاط دوم، چادر کفر که هیچ ایمانی در آن وجود ندارد و تنها داعش و مؤیدان آن وارد سایبان اول می‌شوند (صادقی زاده، ۱۳۹۵: ۷۹-۷۴).

در قاموس داعش، تکفیر به آسانی، با قاطعیت و به صورت انبوه انجام می‌شود. در این نگاه مردم به دو دسته موحد یا کافر تقسیم می‌شوند. یکی از گروه‌های مغضوب داعش شیعیان هستند که از نظر داعش به دلیل اعتقاداتشان از مدار توحید خارج شده و به جای آنکه مسلمان باشند، شیعه هستند (نصری، ۱۳۹۵: ۹۶).

رشد روزافزون جریان‌های افراطی-تکفیری در بلاد اسلام در حال حاضر یکی از مهم‌ترین معضلات منطقه و جهان اسلام است. در قاموس داعش، بدون جهاد، زندگی و بدون هجرت، جهاد معنایی ندارد. در مقاله‌ای که در باب هجرت در نشریه سازمانی داعش، با عنوان «نصایحی برای آنان که درصدد هجرت هستند» آمده است که پیش از هجرت این حدیث از پیامبر (ص) را فراموش نکنید که فرمودند: «اگر به خدا توکل کنید که شایسته توکل است، خداوند همانند پرندگان مهاجر محافظت خواهد کرد، پرندگانی که صبحگاه گرسنه هجرت می‌کنند و شامگاه سیر بازمی‌گردند» (Dabiq: issue 3'1435 shawwal:33).

براساس آنچه که به اجمال گفته شد به وضوح می‌توان بیان داشت که گروه تروریستی-تکفیری داعش براساس مبانی فکری‌ای که دارد همواره از دشمنان بالقوه جمهوری اسلامی ایران بوده و خواهد بود؛ بنابراین شناخت بیش از پیش و بررسی و ارزیابی تهدیدات آن علیه کشور امری ضروری و لازم تلقی می‌گردد.

در رابطه با گروه تروریستی-تکفیری داعش مطالب متعددی از زوایای گوناگونی از جمله چرایی، چیستی، تبارشناسی تاریخی، رویکردهای فقهی و ایدئولوژیکی، نگاه

فلسفی، کیفیت مبارزاتی، بهره‌برداری از فضای مجازی و ... تحت عنوان پایان‌نامه، مقاله، کتاب، همایش و نشست‌های علمی به رشته تحریر درآمده است و اطلاعات و نکات ارزشمندی در راستای شناساندن این پدیده ضد امنیتی منطقه، به فضای علمی و کارشناسی مرتبط با این موضوع تزریق شده است؛ اما به لحاظ اینکه زمان زیادی از فروپاشی داعش سپری نشده، اساساً مطلب چندانی در رابطه با آن بعد از فروپاشی به رشته تحریر درنیامده است، با توجه به خلأهای موجود، محقق بر آن شد که طی یک پژوهش علمی، ظرفیت‌های تولید تهدید داعش علیه جمهوری اسلامی را پس از فروپاشی مورد مطالعه و میزان تهدیدات ناشی از آن را با قبل از فروپاشی مقایسه نماید. در مجموع پژوهش حاضر از جهت عنوان و یافته‌های آن نسبت به کارهای انجام‌شده در این خصوص بدیع و دارای نوآوری است؛ زیرا در زمانی که در جامعه علمی کشور، برخی فروپاشی این پدیده شوم را معادل «پسا داعش» و از بین رفتن و اضمحلال آن می‌دانستند، این مقاله با نگاهی متفاوت به بررسی آن پرداخته است.

حساسیت روی هویت شیعی از جمله بارزترین وجه اشتراک طیف‌های مختلف سلفی‌گری است. با این تفاوت که طیف معتدل آن، شیعه را مسلمان، منحرف و بدعت‌گذار می‌داند که احیاناً جوامع سنی در معرض تهدید و حمله آن‌ها قرار می‌گیرند؛ اما طیف افراطی، در گفتمان «زرقاوی» یا «عبدالرحمن عطیه الله» از چهره‌های شاخص «القاعده»، شیعه نه تنها از مارقین و خارجین از امت است، بلکه متعلق به دین خودساخته‌ای است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است (علی بخشی، ۱۳۹۳: ۶۷). با توجه به آنچه که به اجمال گفته شد، روشن است که همواره داعش به عنوان یک دشمن و تهدید بالقوه برای جمهوری اسلامی ایران مطرح خواهد بود.

پرسش مهمی که در شرایط کنونی مطرح است و این مقاله به آن پرداخته، این است که حال که حکومت داعش دچار فروپاشی گردید و رسماً پایان داعش نیز اعلام شد، تهدیدهای داعش علیه جمهوری اسلامی چه وضعیتی خواهد داشت؟

اهمیت و ضرورت این پژوهش در این است که علی‌رغم فروپاشی و اعلام پایان داعش، تهدید آن علیه کشور را منتفی ندانسته و ضمن استمرار تهدید، نشان می‌دهد که نسبت به قبل حتی شدت یافته است. پذیرش این مهم ما را به ارزیابی تهدیدات داعش پس از فروپاشی که لازمه برنامه‌ریزی برای مقابله با آن است، رهنمون می‌کند. تحقق این مهم، مستلزم پاسخی درخور، به برشماری انواع تهدیدات داعش علیه جمهوری اسلامی و ارزیابی منطقی میزان تهدیدها، قبل و بعد از فروپاشی است.

مبانی نظری تحقیق

الف. مفهوم‌شناسی تهدید

تهدید، مفهومی انتزاعی است که درهم‌تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد؛ بنابراین نمی‌توان از تهدید صحبت به میان آورد و امنیت را مد نظر نداشت. درک هر پدیده‌ای، ارتباط به مسائل روان‌شناختی داشته و سازمان ادراکی فرد متناسب با وراثت، شخصیت، تجارب و زندگی اجتماعی وی شکل می‌گیرد. درک تهدید نیز به‌وسیله سازمان ادراکی، ادراک شده و بدیهی است ادراک افراد از یک پدیده واحد، متفاوت بوده و زمینه‌ساز تفاوت و سوء برداشت می‌شود (درویشی، ۱۳۷۹: ۱۴۵).

بوزان نیز شناخت تهدید را به دو دلیل مشکل دانسته، اول عینی یا ذهنی بودن تهدید، تهدیدهای واقعی همان‌قدر که قابل سنجش نیستند، شاید قابل درک هم نباشند و در عین حال شاید بعضی از تهدیدات قابل درک چندان واقعی نباشند. دوم تشخیص تهدیدات جدی از نظر امنیت ملی، تهدیدات امنیت ملی را می‌بایست از تهدیدات روزمره حاصل کارهای عادی زندگی در جو رقابت‌آمیز بین‌المللی تفکیک کرد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

ارائه تعریف دقیق از تهدید به دلیل چندوجهی بودن و ارتباطش با امنیت، منافع، ارزش‌ها، اهداف و راهبردها کاری پیچیده و مشکل است. به همین دلیل صاحب‌نظران به تناسب نگرش به تهدید و ادراکشان از آن تعاریف متفاوتی ارائه نموده‌اند. درک مفهوم تهدید نیازمند توجه به عوامل گوناگونی از جمله، منافع ملی، توانمندی موضوع یا مرکز یا واحد مورد تهدید، شرایط محیطی، قدرت و توانایی تهدیدکننده، زمان (موضوعی در یک زمان تهدید و

در زمان دیگری تهدید نیست)، تصورات از اقدام‌ها یا پدیده‌ها (با توجه به تصویری که از اقدام‌ها و پدیده‌ها شکل می‌گیرد، می‌توان آن‌ها را تهدیدزا یا بدون تهدید ادراک نمود) می‌باشد (عبدالله خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۴). همان‌طور که گفته شد اندیشمندان مختلف با رویکردهای خاص خود، تعاریف متعددی از مفهوم تهدید را ارائه نموده‌اند که مسلماً پرداختن به همه آن‌ها در یک مقاله عملاً نه مقدور است و نه ضرورت دارد. به فراخور این پژوهش بعضی از تعاریف در بالا مورد اشاره قرار گرفت. به‌طور کلی تهدید از نظر نویسندگان در این مقاله عبارت است از هرگونه اقدامی از ناحیه هر بازیگری که منافع و مصالح ملی را در سطوح مختلف به چالش بکشد و مخدوش نماید یا به نحوی برای این مهم زمینه‌سازی کند.

ب. منابع تهدید

به‌طور کلی منابع تهدید برای امنیت ملی در سه حوزه کلان قابل دسته‌بندی‌اند:

۱. تهدیدهای درون‌مرزی (داخلی)،
۲. تهدیدهای برون‌مرزی (خارجی)،
۳. تهدیدهایی که حد و مرز نمی‌شناسند.

تهدید داخلی به امنیت داخلی و تهدید خارجی به امنیت ملی مرتبط است که کشورها در تنظیم راهبرد امنیت و تعیین منافع ملی ناگزیر از توجه به آن‌ها می‌باشند. تهدیدهای داخلی ناشی از اقدام‌هایی؛ نظیر کودتا، انقلاب، شورش، توطئه، جنگ چریکی، تهدیدهای اجتماعی و درگیری‌های قومی، تهدید اقتصادی در داخل، تقسیم کار استعماری است. تهدیدهای خارجی نیز وجوه مختلف دارد که به‌طور مستقیم امنیت ملی را نشانه می‌گیرد. تهدیدهای دسته‌سوم، تهدیدهایی؛ نظیر بیماری‌های لاعلاج، مشکلات متعدد زیست‌محیطی، قاچاق انسان، مافیا و ... می‌باشند. (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۳۷)

تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های ملی، فقدان امنیت و ناامنی را در امنیت ملی یک کشور مورد توجه قرار می‌دهد و جداسازی تأثیرپذیری از تهدیدها یا آسیب‌پذیری‌های ملی کاری دشوار و حتی ناممکن است. برخی، مانند باری بوزان موضوع آسیب‌پذیری‌ها را وجه داخلی ناامنی و تهدیدها را وجه خارجی آن در نظر می‌گیرند (ولی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

ج. تهدیدات داعش علیه ج.ا.ایران

تهدیدات احتمالی کلان و عمده داعش علیه ج.ا.ایران را به‌طور کلی می‌توان در محورهایی به شرح زیر دسته‌بندی و احصا نمود: (تجارب مطالعاتی محقق و برآمده از نظر نخبگان جامعه آماری)

- ۱) اقدامات عملیاتی گسترده علیه تمامیت ارضی کشور،
- ۲) اقدامات تروریستی در داخل کشور علیه اهداف مختلف اعم از اماکن حیاتی، حساس، شخصیت‌ها و مراسمات،
- ۳) بازخیزی و ترمیم ضعف‌ها برای ضربه زدن به متحدین جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه،
- ۴) عضوگیری و پایگاه‌سازی در منطقه سنتی طالبان در جدار مرزهای شرقی کشور با هدف حمله به ایران،
- ۵) جذب نیرو از داخل کشور برای اقدامات تروریستی، عملیاتی، اطلاعاتی و تبلیغی،
- ۶) عملیات اطلاعاتی و جمع‌آوری اطلاعات در ابعاد مختلف از طریق نفوذ یا عضوگیری و فعال کردن هسته‌های داخلی،
- ۷) احتمال همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای حریف در دو عرصه جمع‌آوری و اجرای عملیات تروریستی،
- ۸) چانه‌زنی و اخذ کمک از دشمنان منطقه‌ای ایران به‌منظور ترمیم ضعف‌های خود و اقدام علیه ایران در راستای اهداف دشمنان کشور و حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داعش،
- ۹) اجرای عملیات روانی در فضای مجازی به‌منظور مرعوب‌سازی رزمندگان خودی و تأثیرگذاری بر روحیه سلحشوری آنان،

ج. شاخص‌های سنجش تهدید

با پیچیدگی زندگی اجتماعی، شناخت تهدیدات نیز به دو دلیل، عینی و ذهنی بودن تهدیدات و دیگری میزان جدی بودن تهدید پیچیده شده است و به همان میزان، ارزیابی و سنجش تهدید نیز سخت و حائز اهمیت فراوان است (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۶۵)، افتخاری در کتاب

«کالبدشکافی تهدید» دو نوع شاخص سنجش تهدید را ارائه می‌نماید: شاخص‌های درونی؛ شامل عواملی همچون توان ملی و منافع ملی که قدرت بازیگر را برای وصول به خواسته‌هایش در شرایط معین بیان می‌کند و شاخص‌های بیرونی که شامل موارد زیر است (افتخاری، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۰).

۱. توانمندی^۱

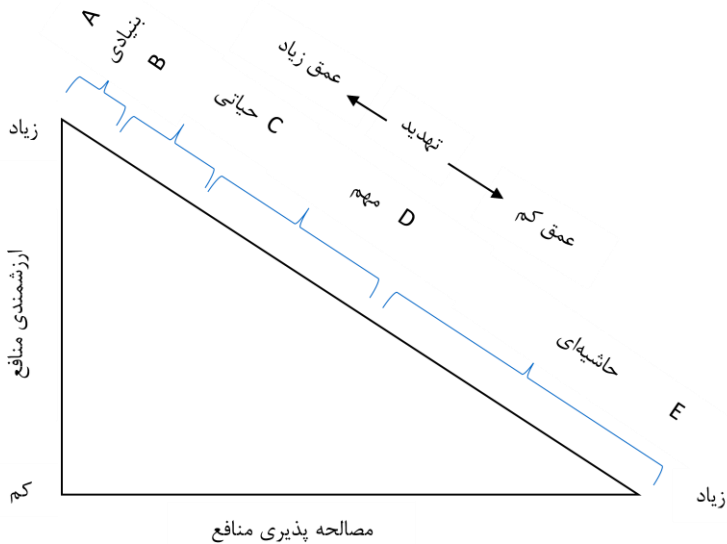
این شاخص درونی و بستگی به قدرت و توان بازیگر دارد، یک تهدید نتایج منفی یکسانی برای بازیگران مختلف ندارد، بلکه متناسب با توانمندی بازیگر، عواقب متفاوتی را ایجاد می‌نماید. به عبارت دیگر، همان‌گونه که هویت یک تهدید در مقام تکوین با لحاظ نمودن توان بازیگر قابل درک است، «تأثیرگذاری تهدید» نیز از همین ناحیه متأثر خواهد بود. در نتیجه می‌توان حداقل چهار وضعیت را از گزاره کلی مذکور به شرح زیر استنتاج نمود (کریمی، ۱۳۹۰: ۴۵).

(جدول - ۱) توان بازیگران و تأثیرگذاری تهدید

تهدیدکننده	تهدیدشونده	میزان تهدید
قوی	قوی	متوسط
ضعیف	ضعیف	متوسط
قوی	ضعیف	شدید
ضعیف	قوی	ضعیف

۲. عمق

در موضوع تهدید، منافع مرجع بوده و به همین دلیل «عمق تهدید» ناظر بر میزان اهمیت و ارزشمندی منفعت مورد تهدید می‌باشد؛ بنابراین به هر میزان که منافع مورد تهدید مهم‌تر و ارزشمندتر باشد به همان میزان عمق تهدید نیز بیشتر محاسبه می‌گردد و به هر میزان که تهدید متوجه منافع کم‌اهمیت‌تر و کم‌ارزش‌تر باشد، به همان میزان عمق تهدید کمتر تلقی می‌گردد (کریمی، ۱۳۹۵: ۴۸).

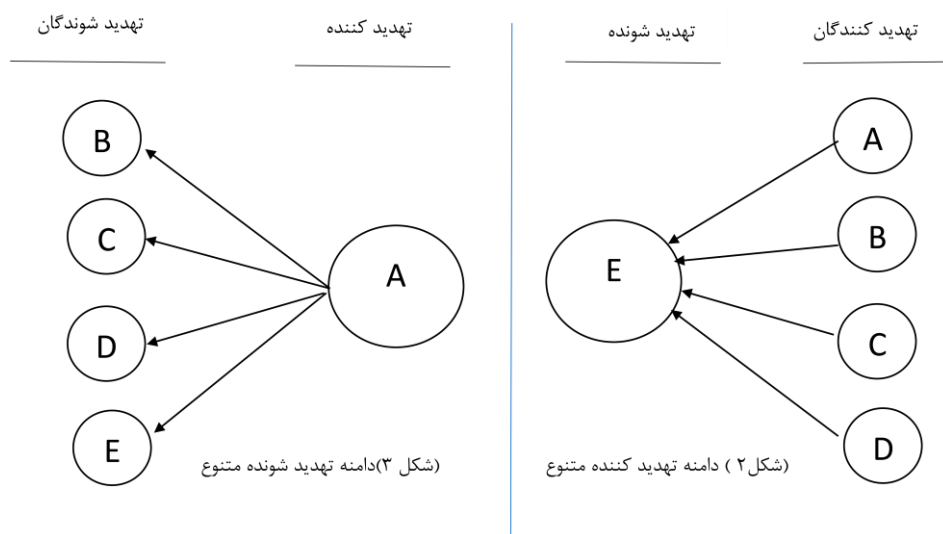


۳. دامنه

دامنه تهدید را به شیوع آن از بعد ارزشی (کیفی) و کمی می‌گویند. تد رابرت گر^۱ در «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند» میزان شیوع یک تهدید را از حیث عاملی-ارزشی در دو سطح اصلی (کیفی و کمی) برای گستره تهدیدشناسایی بیان نموده است. در یک تقسیم‌بندی سه نوع تهدید با دامنه اندک، متوسط و بالا از یکدیگر تشخیص داده شده که در شرایط یکسان (مبنی بر ثبات سایر شاخص‌های ارزیابی شدت تهدید) تغییر دامنه تهدید، به افزایش یا کاهش شدت تهدید می‌انجامد.

هرچه تعداد بازیگران حامی یک تهدید بر ضد منافع یک بازیگر خاص افزایش یابد، بر شدت تهدید نیز افزوده می‌شود. به همین دلیل است که ائتلاف‌سازی، در مقام تهدید سایر بازیگران به یک فعل کارآمد تبدیل شده است که با هزینه‌ای کمتر، نتیجه‌ای مؤثرتر را برای «تهدیدگر» می‌تواند در پی داشته باشد؛ اما در مقام تهدیدشونده، هرچه دامنه تهدید توسعه یابد، به کاهش شدت آن منجر می‌شود. هرچه گستره عددی تهدیدگران و تهدیدشوندگان افزایش یابد، امکان ایجاد انسجام بین آن‌ها دشوارتر می‌گردد. اگر تهدیدی صرفاً برای تعداد

اندکی از بازیگران مطرح باشد، به طور طبیعی جامعه جهانی نسبت به آن حساسیت کمتری از خود نشان می دهد؛ در قیاس با تهدیداتی که به موضوع تعداد بیشتری از بازیگران تبدیل شده‌اند (کرمی، ۱۳۹۶: ۵۴).



۴. زمان

تهدید با توجه به زمان از نظر ماهیت حداقل دارای سه هویت متمایز به شرح زیر است.

۱-۴. هویت اجتماعی^۱

تهدید طی فرایندی تدریجی در بستر جامعه شکل و تکوین می یابد و دارای هویت اجتماعی قبل از ظهور عینی می باشد. تهدیدها به دو شکل ظهور پیدا می کنند:

الف) تهدیدهای مترقبه

این تهدیدها دارای هویت اجتماعی مشخص بوده و به دلیل شکل گیری تدریجی، از بنیادهای تاریخی لازم جهت ظهور جدید در مرحله بعدی برخوردارند. این نوع تهدید قابل

پیش‌بینی بوده و انتظار آن کشیده می‌شود؛ به‌طوری که مایل اشمیت این شاخص را، شاخص متحمل بودن تهدید نام‌گذاری می‌کند (اشمیت، ۱۳۸۰: ۲۶۷).

ب) تهدیدهای غیر مترقبه

این دسته از تهدیدها، تکوین تاریخی لازم را طی نکرده و به‌صورت جهشی و به یک‌باره ظاهر می‌شوند. به عبارت دیگر این تهدیدها، هویت اجتماعی دارند؛ اما آن‌قدر کند، پوشیده و مخفی هستند که به‌طور طبیعی، امکان شناخت و پیش‌بینی ظهور آن‌ها وجود ندارد.

۲-۴. هویت سیاسی^۱

عدم اعمال مدیریت پیشگیرانه در مقطع شکل‌گیری هویت اجتماعی تهدید، به پیدایش گونه تازه‌ای از «هویت» برای تهدید می‌انجامد که از آن به «هویت سیاسی» یاد می‌نماییم. «هویت سیاسی» تهدید نسبت به «هویت اجتماعی» از «عینیت» بیشتری برخوردار است و از فعال شدن تهدید بر ضد منافع قدرت (شبکه رسمی قدرت) به‌صورت مستقیم و آشکار حکایت دارد.

۳-۴. هویت امنیتی^۲

سیاست حوزه تدبیر قانونی قدرت، به دلیل اعمال قدرت مبتنی بر اجبار جهت تدبیر امور به «غیر سیاسی شدن فضا» منتهی می‌شود. در این چشم‌انداز شاخص سیاست از غیر آن را عقلانیت بازسازی‌شده‌ای شکل می‌دهد که بر آگاهی و گفت‌وگو استوار است (افتخاری، ۱۳۸۱: ۱۳۱). «تهدید با هویت امنیتی» از حیث زمانی پس از هویت اجتماعی و هویت سیاسی آمده و دلالت بر آن دارد که شاخص زمان نقش مؤثری در تعریف تهدید از حیث امنیتی ایفا می‌نماید و چنان نیست که هر موضوعی را بتوان به‌سادگی با وصف «امنیتی» بازتعریف نمود.

شدت یک تهدید با شاخصی به نام «زمان دگرذیسی» بیان می‌شود که منظور از «دگرذیسی» مدت زمانی است که یک تهدید برای تغییر وضعیت خود از پدیده اجتماعی به مسئله و همین‌طور مسئله به مشکل و معضل و... تا بحران لازم دارد. بر این اساس «هرچه زمان دگرذیسی تهدید کمتر باشد، شدت آن بیشتر خواهد بود».

۵. مکان

شاخص مکان متأثر از فضای جدید بین‌المللی به نام جهانی‌شدن^۱ می‌باشد. جهانی‌شدن نه تنها بر شاخص مکان بلکه بر شاخص زمان نیز تأثیر می‌گذارد. ما امروزه با چهره جدیدی از «مکان» مواجه هستیم که ملاحظات امنیتی نوین خاص خود را در بحث تهدیدات دارد و به‌رغم آن هنوز هم ملاحظات امنیتی مربوط به دوره قبل از جهانی‌شدن، در مناسبات امنیتی و ارزیابی شدت تهدیدات موضوعیت دارند (افتخاری، ۱۳۸۷: ۹۲).

۶. موقعیت

توالی تهدیدها و هم‌زمانی آنها می‌تواند مدیریت آنها را با مشکل مواجه کند و در نتیجه توان تهدیدها را بیش‌ازحد و اندازه واقعی آنها بنمایاند. در این شرایط حالت‌های سه‌گانه رخ می‌دهد (افتخاری، ۱۳۸۵، ۱۴۶-۱۴۸).

۶-۱. **تعارض:** موقعیتی که تهدیدگران در خصوص هدف‌ها و یا روش‌های اعمال تهدید به توافق نرسند و به همین دلیل در عین حالی که برای منافع بازیگر «تهدیدشونده» هر دو «تهدید» به حساب می‌آیند؛ اما در عمل «دشمن» یکدیگر نیز می‌باشند.

۶-۲. **تقاطع:** موقعیتی است که «تهدیدگران» در سطح هدف‌ها یا روش‌ها اگرچه اختلاف نظر دارند، اما در مبانی و اصول با یکدیگر مشترک هستند؛ به همین دلیل به چانه‌زنی و اتخاذ سیاست‌های متفاوت در عمل روی می‌آورند تا در نهایت بر این مشکل فائق آیند.

۶-۳. **تراکم:** تراکم در معنای وسیعش دلالت بر تعدد و انباشت تهدیدات در واحد زمان، مکان و موضوع دارد. تراکم باعث شدت یافتن تهدید می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت:

سطوح تراکم

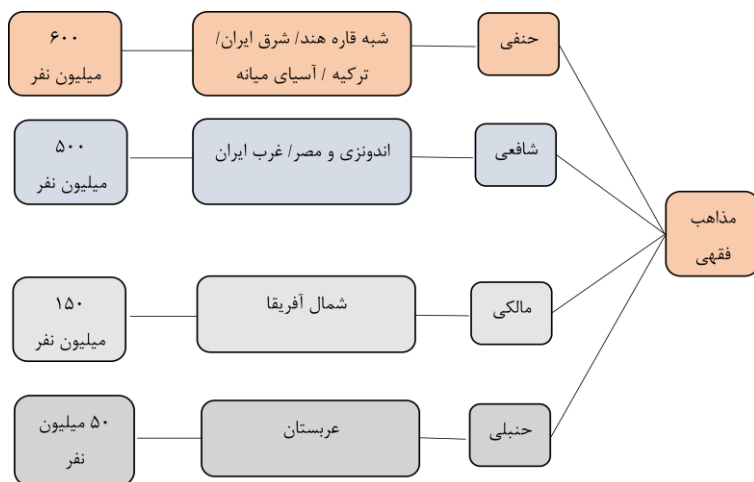
۱) **تراکم زمانی:** افزایش تعداد تهدیدها نسبت به یک بازیگر در واحد زمان را شامل می‌شود. بر این اساس اگر منافع یک بازیگر در موضوعات مختلف به صورت هم‌زمان مورد تهدید واقع شود، «تراکم زمانی» پدید می‌آید.

۲) **تراکم مکانی:** اگر از حیث جغرافیایی حوزه‌ای خاص دست‌خوش التهاب‌های امنیتی گردد، به‌طور طبیعی مدیریت آن دشوارتر از زمانی خواهد بود که با پراکنش تهدید مواجهه هستیم. تراکم مکانی تهدیدهای مستقل از یکدیگر، به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم به افزایش شدت تهدید کمک می‌نمایند.

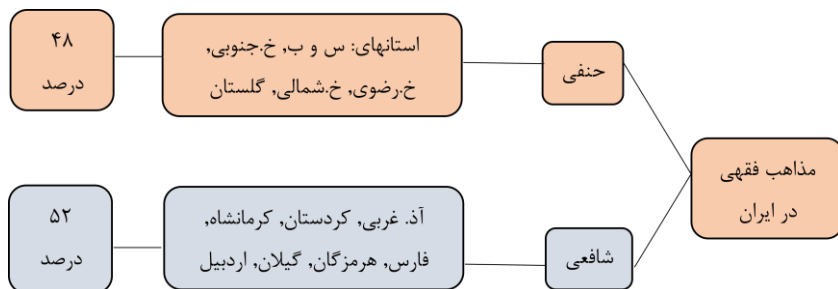
۳) **تراکم موضوعی:** پدیده منفی «اتحاد بین دشمنان شما» بازگوکننده وضعیت تراکم موضوعی تهدیدها می‌باشد، یعنی یک موضوع واحد که برای بازیگری خاص در حکم «تهدید» است، در دستور کار چند بازیگر به‌صورت مشترک قرار گرفته و تعداد «تهدیدگران» در همان موضوع افزایش می‌یابد. تراکم موضوعی از طریق محدود کردن زمینه فعالیت دستگاه دیپلماسی، تنگ کردن فرصت‌ها به «تهدیدشونده» ایجاد فضای روانی نامناسب بر ضد «تهدیدشونده»... در نهایت به‌شدت یافتن تهدید کمک می‌نماید (افتخاری، ۱۳۸۱: ۱۰۸).

د. جریان تکفیری - تروریستی داعش

جمعیت اهل سنت در حدود یک میلیارد و دویست و پنجاه میلیون نفر از ۱/۵ میلیارد مسلمان را در برمی‌گیرند که به چهار مکتب فقهی تقسیم می‌شوند. اولین مکتب فقهی اهل سنت حنفی‌ها هستند، دومین مکتب فقهی مالکی‌ها، سومین مکتب فقهی شافعی‌ها و چهارمین مکتب فقهی حنبلی‌ها هستند. گسترده‌ترین مکتب اهل سنت از نظر فقهی حنفی‌ها هستند و جدیدترین و کوچک‌ترین مکتب حنبلی‌ها هستند. وضعیت اجمالی اهل سنت از حیث مذهب فقهی، پراکندگی جغرافیایی و آمار نسبی آن در جهان و ایران به شرح شکل‌های زیر می‌باشد (کرمی، ۱۳۹۵: ۲۵۸).



(شکل ۴) مذاهب فقهی اهل سنت و گسترش آن در جهان



(شکل ۵) مذاهب فقهی اهل سنت و گسترش آن در ایران

ج.۱.۱. ایران از نگاه داعش

پس از جنگ عراق و آمریکا، ایمن الظواهری نفر دوم القاعده به عراق فرستاده شد، وی نیروهای پراکنده و متفرق را در عراق جمع کرد و در عراق اطلاعیه‌ای صادر کرد با این مضمون که آمریکا و صلیبی‌ها در کنار شیعیان و با هماهنگی شیعیان، حکومت اسلامی اهل سنت را در عراق از بین برده‌اند و درصدد مسلط کردن شیعه کافر بر عراق هستند. به همین دلیل اولویت اول و دشمن قریب ما در حال حاضر شیعه است. وی با حکم تکفیر شیعه، جنگ همه‌جانبه علیه شیعه را در سال ۲۰۰۳ میلادی شروع کرد (کریمی، ۱۳۹۵: ۲۶۹).

پس از کشته شدن سران القاعده عراق یکی پس از دیگری، در سال ۲۰۱۰ میلادی «ابوبکر البغدادی» به عنوان سرکرده جدید تعیین شد. با روی کار آمدن وی، دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی در کشور عراق و بعداً در سوریه وسعت گرفت و بخش قابل توجهی از عراق و سوریه را به تصرف خود درآورد. ابوبکر البغدادی پس از تصرف موصل، رسماً حکومت جهانی اسلام را اعلام کرد و در مسجد جامع موصل به عنوان خلیفه اول جهان اسلام خطبه خواند و خطاب به کل جهان اسلام اعلام کرد: «اکنون که خلافت اسلامی شکل گرفته تمام حکومت‌های غیر این حکومت، باطل هستند و بر همه احزاب اسلامی واجب است با او بیعت کنند» (کرونین، ترجمه، نصری، ۱۳۹۳، ۱۸)، مسلماً کشورهای شیعه در این خطاب‌ها و اشارات از نگاه داعش دارای جایگاه خاصی هستند.

رابطه گسترش داعش و محور مقاومت

سلفی‌گری به‌رغم دین‌پایه بودن؛ مفهومی به‌شدت قومیت‌گرا و محصول سرخوردگی و تحقیر اهل سنت در مقابل توانایی‌ها و کارآمدی‌های گفتمان لیبرال-دموکراسی غرب و موفقیت شیعه در کسب قدرت است. در چهار دهه گذشته در منطقه شاهد کنش‌های مشخصی در قالب «محور مقاومت» هستیم که از موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران حکایت دارد. از جمله این تحولات می‌توان به عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان و تحولات و جنگ‌های عراق و لبنان و غزه اشاره کرد. بخش عمده این موفقیت‌ها، توفیقات «محور شیعی» تلقی می‌شود و ایران در کانون توجهات آن قرار دارد و این شرایط، حساسیت بخشی از اهل سنت را برانگیخته است.

عدم توفیق اهل سنت در مقابله با رژیم صهیونیستی در طول چهار جنگ عمده، ناکارآمدی دیپلماسی و پیمان‌های منطقه‌ای جهان عرب و... احساس ناکارآمدی نسبت به موفقیت‌های محور شیعی را تقویت نمود و آن‌ها را به واکنش علیه موفقیت‌های شیعه واداشته است (گروه مطالعاتی مرکز مطالعات راهبرد دفاعی، ۱۳۹۳: ۲۴۰-۲۳۹)، شکل‌گیری محور مخالف «محور مقاومت» با طراحی و برنامه‌ریزی غرب اتفاق افتاد، زیرا ایالات متحده متعهد است که در منطقه هیچ هسته سیاسی‌ای که در درون خود ظرفیت مقاومت علیه غرب و منافع آن

را داشته باشد، ایجاد نگردد؛ بر این اساس، غرب و آمریکا مشوق شکل‌گیری جریان‌های مخالفِ محور مقاومت در جهان اسلام است.

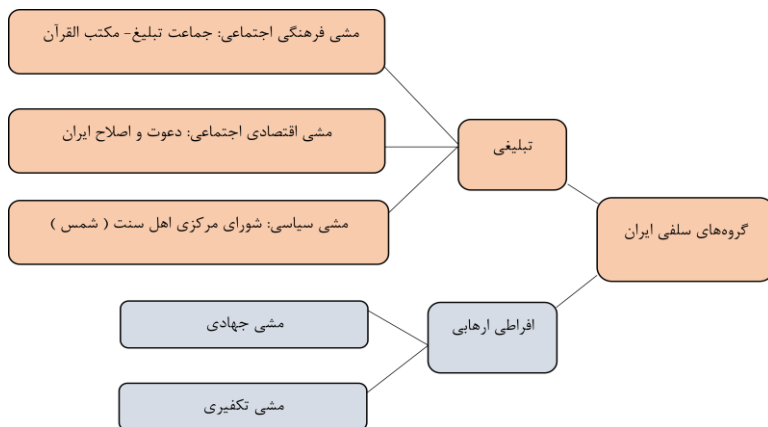
اهل سنت در ج.ا.ایران

آمار دقیقی از اهل سنت در کشور به صورت رسمی منتشر نمی‌شود و این عدم شفافیت به نوبه خود موجب ابهام شده، به گونه‌ای که از دیدگاه‌های مختلف این آمار از ۱۰ تا ۲۰ درصد جمعیت کشور متغیر است. البته این ارقام بیش از آنکه واقعی باشد سیاسی است. صرف نظر از آمار، موضوعی که به لحاظ امنیتی، حساسیت اهل تسنن را در کشور افزایش می‌دهد، سکونت آنان در مناطق مرز و مجاورت آنان با اهل سنتِ کشورهای همسایه است. سکونت اهل سنت در جدار مرز، امکان دسترسی فیزیکی داعش را به آنان تسهیل می‌کند و به نوبه خود می‌تواند ریشه مشکلات امنیتی متعددی را ایجاد کند.

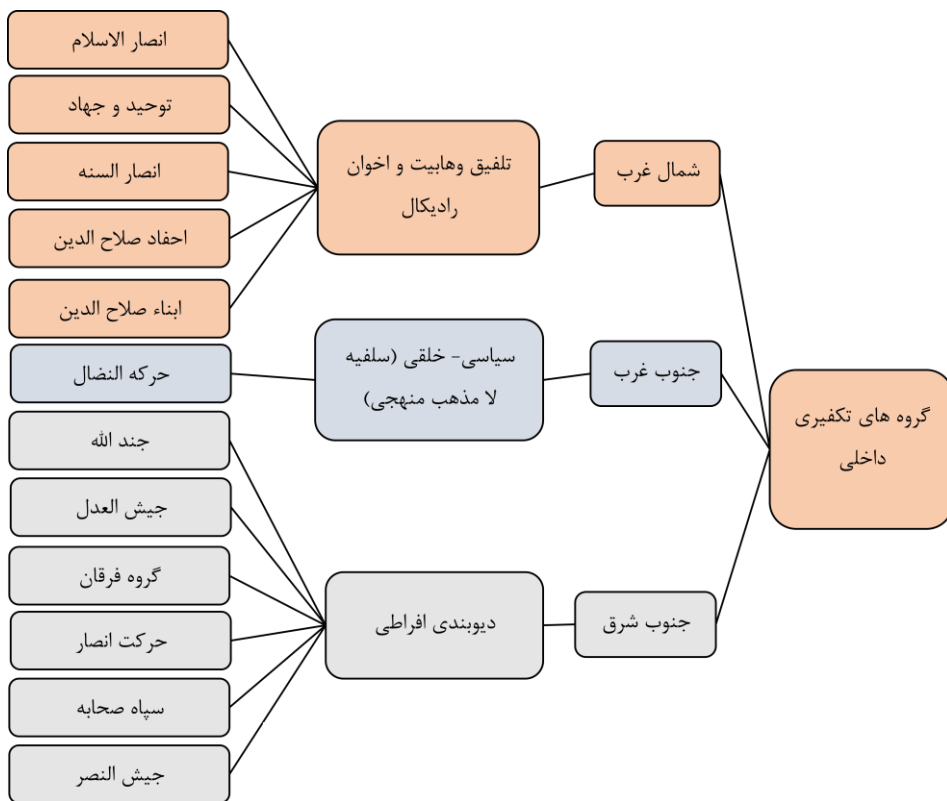
مسئله مهم دیگر، فعالیت پر حجم عربستان سعودی در راستای ترویج تفکر وهابیت در میان اهل سنت ایران و تا حدودی غفلت عملی دستگاه‌های ذی‌ربط از این مهم است، اقدامات تفرقه‌افکنانه دشمنان، بین مذاهب شیعه و سنی و افراطی‌گری افراد مغرض، کج فهم و بی‌بصیرت از هر دو مذهب و ... نیز مزید بر علت است (بخشی، ۱۳۹۳: ۶۶).

گستره سلفی‌گری در ایران

بررسی‌های انجام‌شده بیانگر این است که تمام جریان‌های سلفی موجود در جهان اسلام، در ایران نیز حضور دارند. در شرق، دیوبندیه؛ در جنوب، سلفی وهابی (تقلیدی)؛ در غرب، اخوان‌المسلمین و سلفیه جهادی؛ در خوزستان، سلفی وهابی تکفیری و سلفیه جهادی فعال هستند. گروه‌هایی که این جریان را در مناطق مختلف نمایندگی می‌کنند، در شکل‌های زیر ارائه شده است (کرمی، ۱۳۹۵: ۲۴۷).



(شکل ۶) مشى و جریان سلفى در ایران



(شکل ۷) گروه‌های تکفیری در ایران

روش تحقیق و روش اجرای آن

نوع تحقیق کاربردی، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. جامعه نمونه این تحقیق متشکل از ۳۰ نفر از خبرگان و کارشناسان امنیتی مرتبط با موضوع تحقیق است و دارای دو ویژگی مشترک، یعنی درک و فهم منطقی، از امنیت و بحران‌های امنیتی و شناخت کارشناسی از جریان تکفیری داعش هستند. قلمروی مکانی تهدید جمهوری اسلامی ایران و قلمروی زمانی آن نیز بعد از فروپاشی داعش به مدت پنج سال مد نظر می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری، پرسشنامه است. شیوه اجرای آن این‌گونه است که پرسشنامه اولیه محقق ساخته تنظیم و پس از اخذ نظر کارشناسان و خبرگان و اعمال اصلاحات مورد نظر خبرگان، پرسشنامه نهایی به‌گونه‌ای دربرگیرنده گونه‌های مختلف تهدیدات داعش، شدت تهدید، احتمال وقوع تهدید در هرگونه از تهدید در دو مقطع قبل و بعد از فروپاشی تنظیم گردید، در گام آخر پرسشنامه به جامعه نمونه واگذار و پس از تحلیل داده‌های دریافتی از پرسشنامه، میزان تهدید ناشی از داعش علیه کشور در قبل و بعد از فروپاشی مشخص و در نهایت، پاسخ معقولی برای سؤال تحقیق ارائه شده است. قلمروی مکانی تحقیق، جمهوری اسلامی و قلمروی زمانی پس از فروپاشی به مدت پنج سال منظور شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور برآورد تهدیدات داعش در قبل و بعد از فروپاشی، شدت تهدید و احتمال وقوع تهدیدات از جامعه نمونه مورد پرسش قرار گرفت. در واقع چنین فرض شد که با حاصل ضرب این دو مؤلفه در یکدیگر، می‌توان ارزیابی درستی از میزان تهدید به دست آورد. اگر تهدیدی پرشدت، اما احتمال وقوع آن اندک باشد، تهدید ضعیفی ارزیابی می‌شود. به همین ترتیب اگر احتمال وقوع تهدیدی زیاد، اما شدت آن اندک باشد، در این صورت نیز، یک تهدید ضعیف تلقی می‌شود؛ بنابراین تهدید قوی، تهدیدی است که هر دو مؤلفه آن، یعنی شدت تهدید و احتمال وقوع تهدید از سطح متوسط به بالا باشد.

در این بخش از مقاله با استفاده از نرم‌افزهای آماری، داده‌های حاصل از پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، فراوانی پاسخ‌های جامعه نمونه، در رابطه با شدت و احتمال وقوع انواع تهدیدات داعش، در دو مقطع قبل و بعد فروپاشی مورد بررسی قرار گرفت. پس از محاسبه میانگین دو مؤلفه «شدت تهدید» و «احتمال وقوع تهدید» و ضرب آن‌ها در همدیگر، در نهایت میزان تهدید داعش علیه کشور در دو مقطع قبل و بعد از فروپاشی محاسبه و اندازه‌گیری شده است که به‌طور کامل شرح جدول‌های مربوطه، در ادامه ارائه می‌گردد.

(جدول ۲) توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌ها برحسب شدت و احتمال وقوع تهدیدات داعش علیه

ج.ا.ایران، قبل از فروپاشی

شدت تهدید		احتمال وقوع تهدید		امتیازدهی		موضوع
درصد	تعداد	درصد	تعداد			
۵.۵۵	۲	۱۱.۶۶	۴۲	خیلی کم	۱	تهدید داعش قبل از فروپاشی
۲.۷	۱	۴۴.۷۲	۱۶۱	کم	۲	
۲۳	۸۳	۳۵	۱۲۶	متوسط	۳	
۴۷.۲	۱۷۰	۷.۵	۲۷	زیاد	۴	
۲۸.۹	۱۰۴	۱.۱۲	۴	خیلی زیاد	۵	
۰	۰	۰	۰	بدون پاسخ		
۱۰۰/۰	۳۶۰	۱۰۰/۰	۳۶۰	مجموع		

(جدول ۳) توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌ها برحسب شدت و احتمال وقوع تهدیدات داعش علیه

ج.ا.ایران بعد از فروپاشی

شدت تهدید		احتمال وقوع تهدید		امتیازدهی		موضوع
درصد	تعداد	درصد	تعداد			
۲.۲	۸	۹.۱	۳۳	خیلی کم	۱	تهدید داعش بعد از فروپاشی
۳.۶	۱۳	۳۷.۵	۱۳۵	کم	۲	
۱۷.۲	۶۲	۳۳.۶	۱۲۱	متوسط	۳	
۴۴.۴	۱۶۰	۱۰.۲	۳۷	زیاد	۴	
۳۲.۵	۱۱۷	۹.۴	۳۴	خیلی زیاد	۵	
۰	۰	۰	۰	بدون پاسخ		
۱۰۰	۳۶۰	۱۰۰	۳۶۰	مجموع		

(جدول ۴) توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌ها برحسب شدت و احتمال وقوع تهدیدات داعش علیه ج.ا.ا، قبل و بعد از فروپاشی

شدت × احتمال	شدت وقوع تهدید						احتمال وقوع تهدید						مقطع	نوع تهدید	ردیف	
	شدت	میانگین	۱	۲	۳	۴	۵	میانگین	۱	۲	۳	۴				۵
۷،۹۲	۳،۶	۰	۱۳	۱۷	۰	۵	۲،۲	۲	۲۰	۸	۰	۰	۰	قبل از فروپاشی	اقدامات عملیاتی گسترده علیه تمامیت ارضی کشور	۱
		۱	۲	۱۰	۱۴	۳	۴	۲،۶	۳	۱۴	۶	۵	۲			
۹،۸۸	۳،۸	۰	۸	۱۹	۳	۳	۲،۶	۰	۱۴	۱۵	۰	۱	۱	قبل از فروپاشی	اقدامات ترویجی علیه اماکن، شخصیت‌ها و مراسم‌ها	۲
		۲	۱	۱۶	۵	۴	۳،۰۶	۰	۱۰	۱۲	۴	۴	بعد از فروپاشی			
۹،۸۴	۴،۱	۰	۶	۱۴	۱۰	۵	۲،۴	۵	۱۱	۱۰	۴	۰	۰	قبل از فروپاشی	ترویج تفکر سلفی گری تکفیری در مناطقی از کشور	۳
		۱	۱	۱۴	۸	۳	۲،۶	۴	۱۳	۷	۳	۳	بعد از فروپاشی			
۹،۶	۴	۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۲،۴	۵	۱۲	۱۰	۲	۱	قبل از فروپاشی	همگرا کردن بخشی از اهل سنت کشور با جریان تکفیری	۴	



۵	جذب نیروی از داخل برای جمع آوری اطلاعات و اقدامات اطلاعاتی	بعد از فروپاشی	۲	۲	۱۲	۱۱	۳	۲۶	۱۱	۹	۸	۱	۱	۳۰۹	۱۰،۱۴
		قبل از فروپاشی	۲	۴	۸	۱۱	۵	۲۶	۱۳	۱۳	۳	۰	۱	۳۰۹	
۶	جذب نیروی از داخل برای اقدامات عملیاتی و تروریستی	بعد از فروپاشی	۳	۳	۸	۱۳	۳	۲۶	۱۴	۱۲	۲	۲	۰	۳۰۸	۹،۸۸
		قبل از فروپاشی	۰	۶	۷	۱۲	۵	۲۰،۵	۱۵	۱۳	۱	۰	۱	۴	
۷	جذب نیرو از داخل برای اقدامات تبلیغی و همگرایی با جریان تکفیری	بعد از فروپاشی	۲	۴	۱۰	۱۰	۴	۲۶	۱۵	۱۰	۲	۲	۰	۴۰۲	۱۰،۹۲
		قبل از فروپاشی	۰	۲	۹	۱۲	۷	۲۰،۲	۱۶	۱۲	۲	۰	۰	۴۰۴	
۸	بازخیزی و ترمیم ضعف ها برای ضربه زدن به متحدین جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه	بعد از فروپاشی	۳	۴	۶	۱۲	۵	۲۶	۱۷	۱۰	۱	۱	۱	۴۰۳	۱۱،۱۸
		قبل از فروپاشی	۰	۲	۳	۲۴	۱	۲۰،۲	۲	۱۴	۱۴	۰	۰	۳۰۶	
۹		بعد از فروپاشی	۳	۲	۸	۱۵	۲	۲۶	۶	۱۴	۱۰	۰	۰	۳۰۸	۹،۸۸
		قبل از فروپاشی	۰	۱	۲۰	۹	۰	۲۰،۷	۳	۱۸	۸	۱	۰	۳۰۵	

۱۱،۰۰۱	۳،۶	۱	۳	۵	۱۷	۴	۳،۰۶	۱	۷	۱۵	۳	۴	بعد از فروپاشی	عضو گیری و پایگاه سازی در منطقه سنتی طالبان در جدار مرزهای شرقی کشور با هدف حمله به ایران
۱۱،۲۸	۴،۰۳	۰	۰	۷	۱۵	۸	۲،۸	۰	۱۰	۱۷	۳	۰	قبل از فروپاشی	چانه زنی و اخذ کمک از دشمنان منطقه ای ایران به منظور ترمیم ضعف های خود و اقدام علیه ایران
۱۲،۳	۴،۱	۰	۰	۵	۱۷	۸	۳	۰	۷	۱۸	۳	۲	بعد از فروپاشی	
۱۰،۶۶	۴،۱	۰	۰	۶	۱۵	۹	۲،۶	۲	۱۱	۱۴	۳	۰	قبل از فروپاشی	اجرای عملیات روانی در فضای مجازی به منظور مرعوب سازی رزمندگان خودی و تاثیرگذاری بر روحیه سلحشوری آنان
۱۱،۷۶	۴،۲	۰	۰	۴	۱۶	۱۰	۲،۸	۱	۱۰	۱۴	۲	۳	بعد از فروپاشی	
۷،۹۲	۴،۳۳	۰	۰	۵	۱۰	۱۵	۱،۸۳	۱۰	۱۵	۵	۰	۰	قبل از فروپاشی	احتمال همکاری با سرویس های اطلاعاتی کشورهای حریف در دو عرصه جمع آوری و اجرای عملیات تروریستی
۱۰،۱۲	۴،۴	۰	۰	۳	۱۱	۱۶	۲،۳	۷	۱۳	۵	۲	۳	بعد از فروپاشی	
۹،۱۲			۳،۸						۲،۴				قبل از فروپاشی	میانگین شدت و احتمال وقوع تهدید داعش
۱۰،۵۳			۳،۶						۲،۷				بعد از فروپاشی	

(جدول ۵) شاخص‌های توصیفی تهدیدات داعش علیه ج.ا.ا قبل و بعد از فروپاشی

موضوع	شدت تهدید				احتمال وقوع				تهدیدات برآورد بالاترین حد ممکن تهدید
	میانگین	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	واریانس	میانگین	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	واریانس	
قبل از فروپاشی	۲,۴	۰,۰۷	۰,۲۷	۰,۰۷	۳,۸	۰,۰۸	۰,۳	۰,۰۹	۹,۱۲
بعد از فروپاشی	۲,۷	۰,۰۶	۰,۲۲	۰,۰۴	۳,۹	۰,۱	۰,۳۸	۰,۱۴	۱۰,۵۳

نتیجه گیری

برابر آنچه که از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصله از پرسشنامه به دست آمده است، پس از محاسبه میانگین شدت تهدید و احتمال وقوع تهدید و ضرب نمودن آن‌ها در هم میانگین میزان تهدید ناشی از فعالیت‌های ضد امنیتی داعش در قبل و بعد از فروپاشی به شرح جداول بالا، مشخص شده است. براساس یافته‌های تحقیق هر دو مؤلفه، یعنی «شدت تهدید» و «احتمال وقوع تهدید» بعد از فروپاشی از قبل از فروپاشی بیشتر است، به گونه‌ای که برآیند میزان تهدید داعش قبل از فروپاشی معادل ۹,۱۲ و بعد از فروپاشی معادل ۱۰,۵۳ محاسبه شده است. برای اینکه معنای عدد به دست آمده که میانگین میزان تهدید داعش علیه کشور است را متوجه شویم و فهم و درک درستی از وضعیت داشته باشیم، لازم است این عدد را با عدد ۲۵ قیاس کنیم. عدد ۲۵ حداکثر تهدید ناشی از داعش، در بدترین شرایط امنیتی ممکن است، یعنی شرایطی که «شدت تهدید» و «احتمال وقوع تهدید» داعش علیه جمهوری اسلامی ایران در بالاترین حد ممکن باشد. این وضعیت و شرایط به این معنا است که همه متغیرها به سود داعش بوده و نظام هم از حیث مقابله با آن، در پایین‌ترین سطح ناکارآمدی است. مسلماً با توجه به شناخت منطقی که از دستگاه‌های امنیتی حاکمیت و ظرفیت‌های داعش داریم، اساساً چنین شرایطی نه در زمان استقرار حکومت داعش و نه پس از فروپاشی آن در عالم واقع قابل تصور نبوده و اساساً هرگز امکان تحقق نخواهد داشت. ممکن است برای برخی از مخاطبان این سؤال ایجاد شود که چگونه ممکن است

میزان تهدید یک بازیگر بعد از فروپاشی آن از زمان استقرارش بیشتر باشد؟ برای پاسخ به این سؤال باید به این نکته توجه داشت که بخش زیادی از توانایی‌های داعش در زمان استقرارش صرف حفاظت از متصرفاتش می‌شد و برای این مهم باید با مخالفان متعددی در کشورهای عراق و سوریه می‌جنگید، مسلماً در چنین شرایطی توانایی چندانی برای تولید تهدید علیه ایران نداشت، ضمن اینکه دسترسی داعش به مرزهای جغرافیایی ایران برای تهدید آن مستلزم تصرف کامل کشورهای سوریه و عراق بود که امری نشدنی بود (همان‌طور که محقق نشد)، اما بعد از فروپاشی بخشی از توانایی‌های داعش که قبل از فروپاشی، در کشورهای عراق و سوریه مصروف می‌شد، نسبتاً آزاد شده و می‌تواند در راستای تولید تهدید علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته شود. همچنین بخش‌هایی از داعش با خروج از عراق و سوریه وارد فضای ناامنی، مانند افغانستان و در مناطق مجاور با ایران مستقر شده است. با این استدلال می‌توان چگونگی افزایش تهدید داعش پس از فروپاشی آن را تحلیل و توجیه نمود. روند رو به رشد تهدیدات داعش، بعد از فروپاشی، اقتضا می‌کند که زدودن بسترهای واگرایی و تقویت زمینه‌های همگرایی بین اهل سنت با حاکمیت به‌طور جد در دستور کار نظام سیاسی قرار گیرد، در این صورت موفقیت داعش در عضوگیری از اهل سنت داخل، در حد قابل توجهی کاسته خواهد شد. جمله‌ای منسوب به حضرت آیت‌الله سیستانی مرجع عالی‌قدر شیعیان عراق است که در ایام ناامنی‌های خوزستان فرموده‌اند: «وهابیت در ایران ریشه اعتقادی ندارد و بیشتر سیاسی است». اگر قائل به صحت این جمله باشیم، با این حساب با اقدامات ایجابی باید به مقابله با نفوذ تفکر داعش و یارگیری آن‌ها از اهل سنت در جمهوری اسلامی رفت. البته حسب مورد اقدامات سلبی نیز باید باقوت دنبال شود.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- ادری کورت کرونین (۱۳۹۳)، «داعش فقط یک گروه تروریستی نیست»، ترجمه قدیر نصری، ماهنامه تخصصی برآورد، شماره ۲۳، بهمن ماه.
- اشکوری، حسین (۱۳۹۴)، دوره بصیرت سازمان عقیدتی سیاسی، قم.
- اشمیت، مایکل (۱۳۸۰)، «بازشناسی هدف‌های ملی و راهبرپردازی»، ترجمه علیرضا طیب، تهران، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۰، ص ۲۶۷.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، به نقل از بازخوانی هابرماس نوشته حسنعلی نوذری، تهران: نشر چشمه.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- انتشارات داعش، (۱۴۳۶ ق)، الدوله الاسلامیه.
- باری بوزان (۱۳۷۸)، مردم دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- جهانی (۱۳۹۴)، نشست تخصصی منتشرنشده در مرکز مطالعات راهبردی دفاعی.
- درویشی سه تالانی، فرهاد (۱۳۷۹)، تهدیدات امنیت ملی یک چارچوب نظری. فصلنامه سیاست دفاعی.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، چاپ سوم، تهران: سمت.
- سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صادقی‌زاده، سلمان (۱۳۹۵)، داعش حقیقی و حقیقت داعش، مبانی فقهی خشونت داعش، پژوهشکده علمی کاربردی فارابی، تهران.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۴)، کتاب امنیت بین‌الملل ۳، فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی ج.ا.ا. (۳)، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر.
- بخشی، علی (۱۳۹۳)، جریان‌شناسی گروه‌های تکفیری، ماه نگار دیدبان امنیت ملی، شماره ۳۱، آبان ماه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کرمی، رضا (۱۳۹۰)، براندازی و ضد براندازی با تأکید بر براندازی نرم، پژوهشکده فارابی، تهران.
- کرمی، رضا (۱۳۹۳)، داعش، بحران عراق و امنیت ملی ج.ا.ا. ماهنامه تخصصی برآورد، سال دوم شماره ۱۵ خرداد ماه، پژوهشکده قلم، تهران.
- کرمی، رضا (۱۳۹۵)، داعش حقیقی و حقیقت داعش، استعداد نظامی داعش و آسیب‌پذیری‌های راهبردی آن، پژوهشکده علمی کاربردی فارابی، تهران.
- کرمی، رضا (۱۳۹۶)، نقش یگان‌های نزاجا در مدیریت بحران‌های امنیت داخلی کشور، مرکز مطالعات نزاجا.
- گروه مطالعاتی بررسی محیط پیرامونی و بین‌الملل مرکز مطالعات راهبردی دفاعی (۱۳۹۴)، سالنمای دفاعی - امنیتی.

- نصری، قدیر (۱۳۹۵)، داعش حقیقی و حقیقت داعش، خشونت‌ورزی در دکنترین داعش، پژوهشکده مطالعات علمی کاربردی فارابی، تهران.
- ولی‌پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۳)، گفتمان امنیت ملی در ج.ا.ا، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب. انگلیسی

- Al- Kinani Abu Amr, it, s eathr the Islamic State or the Flood. Dabiq Issue 2 1435 Ramand
- ISIS Hijrah from Hypocrisy to Sincrit Dabiq Issue 3, 1435 Shawwal